یادداشت ...

پس از اینترنت دومین مسئله مهم کشور زنان است

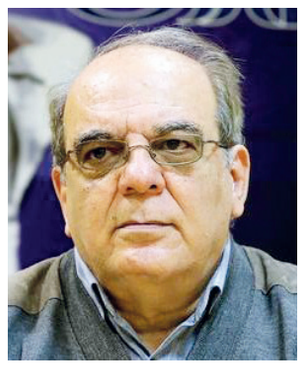

عباس عبدی –فعال سیاسی

پس از اینترنت دومین مساله‌ای که باید به نحو ملموسی به سوی حل شدن آن حرکت کرد، موضوع زن و جایگاه اجتماعی و حقوق آن است. موضوعی که در مقایسه با رفع فیلترینگ حل آن به نسبت سخت‌تر ولی سود آن بیشتر است.

خوشبختانه در دولت جدید هم وزیر زن هست و هم تعداد معاونان و مدیران زن به نحو چشمگیری افزایش یافته‌اند در نتیجه یک گام به جلو برداشته شده است. ولی مساله زنان در ایران و حل آن فراتر از آن چیزی است که در تصور رسمی وجود دارد.

ساینا میخوای بفروشی؟ بیا اینجا تو ۴۵ دقیقه با امنیت بفروش ...

مساله زنان را نمی‌توان به تبلیغات ماهواره و بیگانگان یا مخالفت با اسلام و انقلاب و ترویج فساد و از این دست ادعاها تقلیل داد. مساله زنان در اصل ناشی از سیر تحولات جامعه است.

همچنان که با گذشت زمان و وارد شدن در مراحل توسعه، مردان نیز خواهان مشارکت و حضور اجتماعی می‌شوند و علیه استبداد می‌شورند، با فاصله‌ای زمانی این مطالبه برای زنان هم ایجاد می‌شود. کافی است که به وضعیت زنان در آموزش عالی نگاه کنیم که در ۵۰ سال گذشته از ۳۰ درصد اکنون به ۶۰ درصد رسیده است، تعداد زیادی از آنان هم‌پا یا جلوتر از مردان، سطوح پیشرفته آموزش عالی را طی می‌کنند.

آنان در تمام سطوح آموزشی به نحوی در حال جلو زدن از مردان هستند. این سبقت زنان بازتاب متناظری در ساختار قدرت و مدیریت کشور و عرصه عمومی ندارد. به همین علت است که سهم زنان از اشتغال کشور بسیار پایین است و حداکثر ۱۴ درصد و در برخی برآوردها تا ۱۰ درصد هم گفته شده است.

علت مشارکت زنان برای شغل فقط بخش عرضه نیست که آنان نیازمند شغل باشند، بلکه بخش تقاضا نیز تشنه نیروی کار توانمند و تحصیلکرده است. مهم‌تر از همه اینکه هزینه زندگی بدون اشتغال زن و مرد به راحتی تأمین نمی‌شود.

مجموعه این مسائل به علاوه تحولات فرهنگی موجب شده است که زنان ایرانی احساس تبعیض کنند. برای اطلاع از تحولاتی که در جایگاه زن در جامعه پیش آمده است به آماری استناد می‌کنم که آقای صالحی، وزیر فرهنگ در سخنرانی معارفه خود اشاره کرد از جمله این که: «در سال ۱۳۶۳ تعداد ۲۸ داستان‌نویس زن داشتیم که کتاب داشتند، در حالی که تعداد مردان در این زمینه ۲۴۱ نفر بود ولی در سال ۱۳۹۳، داستان‌نویسان مرد به ۱۷۳۸ و زن به ۱۶۴۸ نفر رسید.

این اعداد نشان می‌دهد که ما یک جریان رو به جهش در زمینه فرهنگ و هنر و پیشرفت زنان داشتیم.» این آمار نشان می‌دهد که در این فاصله داستان‌نویسان مرد ۷ برابر، زنان ۵۹ برابر و کل داستان‌نویسان کشور ۱۳ برابر شده‌اند در حالی که جمعیت کشور در این فاصله کمتر از دو برابر شده است.

اکنون زنان داستان‌نویس فقط ۵ درصد کمتر مردان هستند. در حالی که در سال ۱۳۶۳ مردان داستان‌نویس ۹ برابر زنان بودند. آمار داستان‌نویسی بسیار مهم و حکایت از شاخصی بی‌نظیر برای سنجش رویکرد مشارکت‌جویی اجتماعی زنان در جامعه است. گرچه در این دوره زمانی شاهد تحول چشمگیر در فعالیت و مشارکت فرهنگی مردان هستیم ولی این روند برای زنان به‌صورت جهشی و با شیب فراوان است گویی دنبال نشان دادن توانایی‌های خود هستند و ظاهراً این روند همچنان ادامه دارد.

جالب است که در همه انتخابات معمولاً زنان بیش از مردان مشارکت می‌کنند ولی در انتخابات تیر ماه جاری حداقل در دور اول زنان مشارکت کمتری نشان دادند، زیرا حس می‌کنند که مطالبات آنان کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. از سوی دیگر برخورد با زنان به ویژه در ماجرای حجاب، از قانون و منطق استواری برخوردار نبود. به طور کلی حقوق زنان در برخی از موضوعات مهم مطابق خواست و رضایت عمومی نیست و کوششی هم برای اصلاح آن نمی‌شود.

اعتراضات پاییز ۱۴۰۱ بازتابی بود از این احساس عمومی و تجربه دو سال گذشته هم بیش از پیش نشان داد که مساله زنان صرفا یک تحول اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی است و نباید آن را در قالب‌های امنیتی و اخلاقی و سیاسی تحلیل کرد.

راه‌حل نیز پیچیده نیست؛ اگر اراده‌ای تعلق بگیرد که باید بگیرد، می‌توان با تفاهم و مشارکت عمومی آن را حل کرد. به طور مشخص پوشش زنان اکنون مساله محوری است. البته قانون جدید نهایی نشده است و طبعا تصویب آن هم مشکلی را حل نمی‌کند، زیرا منطق شکل‌گیری آن پذیرفتنی نیست. قانون موجود درباره حجاب، تبصره ماده ۶۳۸ قانون تعزیرات است که مطلقا قابل اجرا نیست؛ زیرا بر اساس لزوم رعایت حجاب شرعی نوشته شده.

نتیجه این قانون روشن است؛ اغلب زنان باید مطابق این ماده مجازات شوند، چه آنان که روسری دارند و چه آنان که ندارند. فقط اقلیتی از زنان هستند که حجاب شرعی را به طور کامل رعایت می‌کنند و مشمول این قانون نمی‌شوند.

پس این تبصره اجرایی نیست به همین علت هم تاکنون اجرا نشده است. قانون در دست رسیدگی باید از حجاب شرعی عدول کرده باشد، چون آن قاعده اجرایی نیست.

در این صورت باید بر اساس عرف مبتنی شود که عرف را باید به فهم عمومی ارجاع داد که اگر چنین چیزی پذیرفته شود حتما مشکل حل خواهد شد. در واقع قرار نیست که قوانین جزایی به صورتی باشند که درصد زیادی از زنان را شامل شود. مثل همه قوانین جزا، تعداد اندکی رفتار مجرمانه انجام می‌دهند. به نظرم در این باره مثل بسیاری از موضوعات دیگر باید میان نظم اجتماعی و رفتار مطلوب فرهنگی، تمایز قائل شد و حفظ نظم را مبنای قانونگذاری قرار داد. مساله حجاب شکاف عمیقی را ایجاد کرده که برخلاف ظاهرش به سود نیروهای مذهبی و بانوان چادری نیست.

این برخوردها حتی تعبیر از حجاب و معنای آن را تغییر داده و لذا برخی از خانم‌های محجبه به این نتیجه رسیده‌اند که برای پرهیز از این تعبیرات سوء، چادر را کنار بگذارند. این برخلاف تحلیل سردار رادان درباره کوشش دیگران برای حذف چادر است.

در واقع سیاست‌های جاری است که موقعیت چادر را تضعیف کرده است. یکی از بدترین شکاف فرهنگی در موضوع حجاب در عرصه هنر و سینمای رسمی، با هنرمندان به وجود آمده که ساختار رسمی نمی‌تواند این شکاف را نادیده بگیرد. سرریز این شکاف به افراد محجبه هم هست.

چندی پیش خاطره خانم فاطمه معتمدآریا درباره تغییر مواجهه و رویکرد خانواده محجبه مادری وی را می‌خواندم که برای سیاستگذاران آموزنده است.

همه ما در خانواده‌های خود از این موارد زیاد می‌بینیم. واقعیت این است که مساله زنان را نمی‌توان استخوان لای زخم گذاشت و حل نکرد و آن را به دست سیر حوادث سپرد.

این مساله ظرفیت زیادی برای تبدیل شدن به تنش‌های اجتماعی و سیاسی را دارد. حکومت باید نسبت در همه مسائل موضع شفاف و منطقی و قابل اجرا داشته باشد. باید تصمیم روشن و قابل اجرا گرفت و استخوان لای زخم نگذاشت.

فخاری فعال سیاسی اصلاح طلب::

تمرین کنیم که قانون چارچوبی برای همزیستی سازنده است نه ابزار حذف و محرومیت

■ فعال سیاسی اصلاح طلب گفت: ما دچار یک شکاف و فاصله میان ملت دولت بوده‌ایم. راهکار در قدرتمندتر کردن هویت ملی، وابستگی و دلبستگی جمعی و اعتماد است. اعتماد چسب جامعه است و رویکرد و رفتار مدیریت ملی بر خرده روندها و رفتارها اثر چشمگیر دارد. برای آن که انگیزه‌ی همکاری همگانی بهبود یابد و «ما» معنای ملی خود را دوباره پیدا کند باید زخم‌های فرهنگی را درمان کنیم.

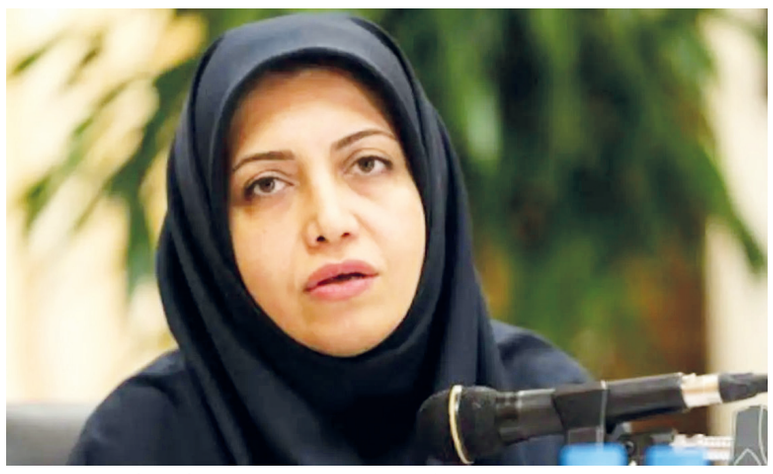

سرویس سیاسی – الهام فخاری سخنگوی ستاد تهران مسعود پزشکیان درباره تاکیدات رئیس جمهور مبنی بر بازگشت دانشجویان و استاتید اخراجی به دانشگاه‌ها و تاکید بر حل مسئله مردم به جای پرونده‌سازی و اینکه عملی شدن این تاکیدات چقدر می‌تواند در راستای وفاق ملی امیدوارکننده باشد، گفت: بدترین رخدادها همواره در تندترین و آشفته‌ترین وضعیت اجتماعی–سیاسی رقم می‌خورند. هنگامی که نظم اجتماعی به هر دلیلی، دچار چالش می‌شود، رویه‌ها و روش‌ها دچار مساله می‌شوند. اگر در مواجهه با یک چالش بزرگ به‌جای پاسخ‌گویی روشن و یافتن راه حل منصفانه، در پی وادار کردن مردم به پذیرش بی‌چون و چرا باشیم و رفتار هزینه‌ساز مدیریتی خود را نبینیم، گره‌ای که پدید آمده پیچیده‌تر می‌شود.

وی افزود: درست در همین زمان‌ها عده‌ای از تند شدن فضا برای بیرون راندن کسانی و آوردن افراد دیگر بهره می‌گیرند؛ روش‌ها و رفتارها که باید سنجیده و با در نظر گرفتن قانون و برابری حق شهروندان باشد، دچار واکنش‌های تکانشی و هیجانی می‌شود. جامعه ما شوربختانه در سه سال گذشته تجربه‌های تلخی در دانشگاه‌ها و دبیرستان‌ها که نهادهای آموزشی برای بالندگی و آموزش نوجوانان و جوانان هستند، از سر گذراند. بخشی از این تنش‌ها پیامد پافشاری برخی از مدیران عالی‌مقام دولت سیزدهم بر مواضع مناقشه‌برانگیز با روش‌های آمرانه و الگوهای تنبیهی شدید و نامتناسب بود. در آن میانه برای مردم چرایی و چگونگی این رفتارها با جوانان پرسش‌انگیز بود که با رویه و تصمیم نو در مدیران وقت، متاسفانه نه تنها پاسخ درستی نگرفت بلکه به رویدادهای آسیب‌زا و زیان‌بار ملی انجامید. افراد از جمله سیاست‌گذاران و مدیران در برابر یک مساله مشخص ممکن است رویکردها و روش‌های متفاوتی برای حل مساله داشته باشند. این تفاوت ریشه در سبک شخصیتی، فرهنگ خانوادگی، خاستگاه پرورشی و جریان اندیشه‌ای افراد دارد. بارها در مصاحبه‌ها و یادداشت‌های خود به بایستگی توجه به پرورش روان‌شناختی، بهداشت و سلامت روانی و بالندگی و سبک‌های شخصیت پرداخته‌ام و این بایستگی به‌ویژه برای کسانی که در نهادهای قدرت و مدیریت جامعه نقش‌آفرین هستند، از جمله کنش‌گران سیاسی و اجتماعی، پررنگ‌تر و برجسته‌تر است. جامعه ما در پی فشارهای گوناگون به‌ویژه پیامدهای اقتصادی، تحریم‌های طولانی و فراگیر، تنش‌های محیط زیستی، ناروانی کسب و کارها و تنش‌های توان‌فرسای همه‌گیری کووید ۱۹، خسته و تحریک‌پذیر شده بود. در چنین شرایطی به‌جای مدارا، همدلی و پرداختن به حل چالش‌های بنیادین اقتصادی و تمرکز بر گشایش اقتصادی، فشار انضباطی اجتماعی افزایش یافت. فخاری در ادامه تصریح کرد: همواره برجسته‌ترین کانون‌های پرسش‌گری دانشگاه‌ها و نهادهای دانش‌پژوهی هستند. مگر کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه‌ها برپا نشده بودند چرا مدیران برخی دانشگاه‌ها یا دبیرستان‌ها از این ظرفیت سازنده درست بهره نگرفتند؟ از سوی دیگر جوانان درباره‌ی آینده خود، ایران و نقش خود دچار ابهام و چالش بوده‌اند، در همان روزها به یکی از مدیران دانشگاهی دوستانه و مشفقانه در حالی که خسته و خشمگین در مواجهه با دانشجویان بود گفتم ما وظیفه داریم در دانشگاه ضربه‌گیر، اعتمادساز و تعدیل کننده باشیم. شوربختانه مدیریت عالی در دانشگاه‌ها به‌جای ترمیم شکاف بین‌نسلی، فراهم کردن فضای امن گفت‌وگو و کاهش تنش، و بهبود اعتماد متقابل، رویکرد انضباطی تحکمی را در پیش گرفت و نتوانست نقش میانجی‌گر علمی را ایفا کند و روشن است که شدت یافتن هنگامه‌ی خشم و درگیری نتیجه منصفانه و سازنده‌ای رقم نمی‌زند. ما در انتخابات با رای به آقای پزشکیان، رویکردی اعتمادساز، برابری‌خواه برپایه حق شهروندی، تعامل‌گر (به جای ستیزه‌جو و تحکم‌گر) و امنیت‌ساز را برگزیده‌ایم. معرفی وزیران و رای اعتماد مجلس شورای اسلامی به کابینه دولت چهاردهم را می‌توان کاسته شدن از هزینه‌سازی سیاسی–اجتماعی، آموختن از تجربه سخت این چند سال، و تلاش برای بازسازی تحلیل کرد. پیشینه‌ی فرهنگی، علمی و اجتماعی وزیران امیدبخش است و رفتار فرهنگی‌شان نشانه‌هایی از گام برداشتن برای بازسازی و جبران خسارت (دانشجو، استاد، کارمند) دارد. آقای رییس جمهور پزشکیان به روشنی از کمیته بررسی ویژه پرونده‌های این چند سال و حق پایمال‌شده دانشگاهیان گفته است. من به راست‌گویی و حق‌خواهی ایشان اعتماد و باور دارم. اصل بنیادی برای این کار برگزیدن همدلی، پذیرش گوناگونی، رواداری اجتماعی و به‌ویژه علمی در دانشگاه‌ها و مدرسه‌ها است. وی تصریح کرد: از سوی دیگر تدبیر سازوکار اداری و حقوقی لازم و اثربخش هم یک بخش این مسیر خواهد بود که با توجه به تخصص و توجه وزیر می‌تواند سازنده به‌پیش برود و دانش‌پژوهان به دانشگاه‌ها بازگردند. ما باید بیاموزیم، آموخته‌هایمان را به‌کار آوریم و تمرین کنیم که قانون چارچوبی برای همزیستی سازنده ما است نه ابزار حذف و محرومیت که نهاد دانش‌پژوهی را تنها با مدرک‌های چاپ‌شده‌مان تصرف نکنیم بلکه بازخورد و منش دانش‌پژوهانه را در خود و دیگران پرورش دهیم، که آن دیگری نقدکننده یاری‌گر ما است نه دشمن‌مان. بنابراین کمیته بررسی بازگشت استادان و دانشجویان یک گام نخستین و ارزنده است؛ گام‌های بعدی را باید همه ما در تمرین پایبندی به بنیان‌های علمی و اخلاق دانش‌پژوهی استوار برداریم، برای کاستن از تقلب بکوشیم، برای چاره‌جویی مساله‌های ملی در کنار هم باشیم. فخاری در پاسخ به این سوال علاوه بر ایجاد گشایش‌هایی در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی لازم است چه گشایش‌هایی در حوزه سیاسی انجام شود، گفت: ایران ما با چالش‌های بزرگی دست و پنجه نرم می‌کند توانایی‌های کلیدی کشور از آن همه مردم است نه در برابر خواست و رفاه مردم. ما دچار یک شکاف و فاصله میان ملت دولت بوده‌ایم. راهکار در قدرتمندتر کردن هویت ملی، وابستگی و دلبستگی جمعی و اعتماد است. اعتماد چسب جامعه است و رویکرد و رفتار مدیریت ملی بر خرده روندها و رفتارها اثر چشمگیر دارد. مردم راست گفتن، درست گفتن و رفتار روشن و هم‌ساز را می‌فهمند، همراهی می‌کنند و در برابر خطرهایی که ایران را تهدید می‌کند استوار می‌ایستند. باور دارم اگر در انتخاب نیروهای اصلی و بازپیرایی سازمان‌ها و اداره‌ها، اصلاح رویه‌ها و ملاک‌ها، خانه‌تکانی بسیاری از بخش‌ها درست و دقیق عمل کنند می‌توان به نجات کشور از بلای خانمان‌سوز تندروی‌های سلیقه‌ای و توقف تهدید منافع ملی امید داشت. ما در پیچ یک بحران بزرگ تاریخی هستیم. در انتخابات، وضعیت را به تصمیم گیری درست در وضعیت بازماندگان در یک تونل جاده‌ای فروریخته تشبیه کرده بودم. انتخابات برگزار شد و اکنون آقای پزشکیان رییس جمهور ما است. همه باید بدانیم هنوز بحران به پایان نرسیده و برای آواربرداری، بازسازی مسیر، تامین رفاه همگانی، توجه به بالندگی و توسعه لازم است از خودمحوری، ایده‌آل‌گرایی و خواسته‌های حداکثری چشم‌پوشی کنیم و تمرکز بر نیازهای بنیادی، اصلاح رویه‌های اساسی، اصلاح روندهای اقتصادی و بازسازی زیرساخت‌ها را در اولویت قرار دهیم. با این همه برای آن‌که انگیزه‌ی همکاری همگانی بهبود یابد و «ما» معنای ملی خود را دوباره پیدا کند باید زخم‌های فرهنگی را درمان کنیم. اگر هشیار و آگاه حرکت کنیم و اگر این سرمایه‌ی ارزنده نادیده گرفته نشود، اهالی فرهنگ و دانشگاهیان می‌توانند یاریگر نجات و بازسازی اجتماعی–سیاسی ایران باشند.

> **ما در پیچ یک بحران بزرگ تاریخی هستیم. در انتخابات، وضعیت را به تصمیم گیری درست در وضعیت بازماندگان در یک تونل جاده‌ای فروریخته تشبیه کرده بودم. انتخابات برگزار شد و اکنون آقای پزشکیان رییس جمهور ما است. همه باید بدانیم هنوز بحران به پایان نرسیده و برای آواربرداری، بازسازی مسیر، تامین رفاه همگانی، توجه به بالندگی و توسعه لازم است از خودمحوری، ایده‌آل‌گرایی و خواسته‌های حداکثری چشم‌پوشی کنیم و تمرکز بر نیازهای بنیادی، اصلاح رویه‌های اساسی، اصلاح روندهای اقتصادی و بازسازی زیرساخت‌ها را در اولویت قرار دهیم.**

جمالی نماینده ادوار مجلس:

دولت با هوشیاری از کنار دام مسائل فرعی عبور کند

سرویس سیاسی – یک نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی، تاکید کرد: اگر ما در همه امور به ویژه در عرصه حکمرانی تعیین اولویت کرده و به اولویت ها مهم جامعه بپردازیم، خیلی از اولویت ها ریز و درشت نیز به دنبال آن حل خواهد شد.

محمدجواد جمالی نوبندگانی با اشاره به ضرورت دوری کردن از اولویت های غیرضرور و تمرکز دولت بر اولویت های اصلی جامعه، بیان کرد: رهبر معظم انقلاب جمله‌ای کلیدی را بیان کردند و آن هم این بود که موفقیت دولت، موفقیت همگان است. این نشان دهنده پشتیبانی مقام معظم رهبری از دولت چهاردهم به شکل آشکار و ویژه است و این یک سرمایه بزرگ برای دولت آقای پزشکیان است؛ از سوی دیگر علی رغم اینکه از نظر دیدگاه های جناحی و سیاسی اکثریت مجلس با آقای پزشکیان نبود، اما در یک اقدام ویژه و خاص دیدیم که مجلس به تمام وزرای آقای پزشکیان رای اعتماد داد. نتیجه این بود که دولت با فراخ بال کامل نسبت به چینش مهره های خود اقدام کرد. هیچ وزارتخانه ای بلاتکلیف نشد و مجلس یک پیام مثبت به دولت داد. این هم از نگاه بنده یک امتیاز بود که به آقای پزشکیان داده شد. با توجه به اینکه آقای پزشکیان لیدر یک حزب خاصی در کشور نبوده و به جز چند سال محدودی که وزیر بهداشت بوده کار اجرایی نداشت و چند دوره صرفا نماینده مجلس بوده است. این عضو سابق کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: به همین خاطر آقای پزشکیان مجبور شد از تیم هایی برای اعطای مسئولیت استفاده کند که جای خودش باید بحث شود. از نگاه بنده این امر هم نکات مثبت فراوان و هم نکات منفی داشت که الان می بینیم خیلی ها که در ابتدا بیان می کردند ما هیچ توقعی از دولت چهاردهم نداریم، اکنون به شکل مستقیم و غیر مستقیم درخواست سهم از آقای پزشکیان می کنند که از نگاه بنده این اصلا با شایسته سالاری تناسبی ندارد. آقای پزشکیان با توجه به قول هایی که به مردم داده نباید زیر بار این قبیل درخواست ها برود. موضوع بعدی که وجود دارد این بوده که هر روزی که می گذرد، یک روز از فرصت چهار ساله کابینه کم می شود. یک روز هم یک روز است. در اقتصاد کلان حتی ساعت ها تعیین کننده هستند. همه می‌دانند همان طوری که رهبر معظم انقلاب بیان کردند و نمایندگان مجلس نیز به این موضودع اذعان داشتند و حتی مردم کوچه و بازار بر این موضوع تاکید دارند، مشکل اصلی امروز جامعه که منجر به پدیده دیگر در اجتماع شده است، مشکل معیشت مردم به ویژه اقشار کارمند و کارگران و افراد بدون شغل است. جمالی نوبندگانی افزود: بخشی از تورم نیز ناشی از کسری بودجه و عدم توازن در تولید و توزیع می باشد؛ بنابراین بنده فکر می کنم اگر ما در همه امور به ویژه در عرصه حکمرانی تعیین اولویت کرده و به اولویت ها مهم جامعه بپردازیم، خیلی از اولویت ها ریز و درشت نیز به دنبال آن حل خواهد شد. اینکه برخی فقط به دنبال مسائلی هستند که حل شدن یا نشدن آن خیلی در معیشت مردم که امروز مشکل اصلی جامعه است تاثیر ندارد یا از سر ناآگاهی این بحث ها را مطرح می کنند یا به دنبال مسئله خاص خود هستند. دولت باید هوشیاری کامل را نسبت به این موضوع داشته باشد و در دام مسائل فرعی نیافتد. دولت باید به صورت هماهنگ و منسجم به دنبال حل مسال اقتصادی جامعه باشد. از نگاه بنده مبارزه با قاچاق کالا و کمک به تولید، از بین بردن ناترازی ها مانند ناترازی در تولید برق، مقابله با فساد در سیستم اداری، گمرکی و بانک ها از جمله اولویت هایی است که دولت باید دنبال کند. از نگاه بنده اگر دولت هر سال یکی از این پنج ابر چالش را بتواند حل کند، آقای پزشکیان می تواند چهار ابر مشکل را حل کند و به دنبال آن ده‌ها مشکل دیگر حل خواهد شد، ولی اگر دولتمردان دائم درگیر مصاحبه و پرداختن به حاشیه ها شوند، مشکلی حل نمی شود. مردم اگر آگاه شوند در حل مشکلات نیز همراهی خواهند کرد. از نگاه بنده همراهی مردم در حل مشکلات بسیار مهم و اثر گذار است. اما مسائل دیگر را جنبه های دیگر حاکمیت می تواند دنبال کند.

یادداشت ...

سه رکن اساسی گفتمان «وفاق»

محمد گلزاری
دبیر شورای اطلاع‌رسانی دولت

گفتمان وفاق دولت چهاردهم سه رکن اساسی دارد. مهم‌ترین آن وفاق میان دولت و مردم است. مراد از مردم نیز همه مردم است و همانگونه که دولت بارها گفته، خود را متعهد به همه ایرانیان می‌داند.

دولت چهاردهم با شناخت دقیق از گسل‌ها و شکاف‌های جامعه، شعار و آرمان «وفاق ملی» را برگزید تا کشور را در آستانه توافق‌های برد–برد و ائتلاف‌های مسأله‌محور برای عبور از ابربحران‌ها و چالش‌ها قرار دهد.

هرچند اجماع میان آحاد مردم، نخبگان و کارگزاران، همراهی با ایده وفاق است اما آن دسته از گروه‌ها و افراد که حیات سیاسی و اجتماعی خود را در تداوم اختلافات و شکاف‌ها جست‌وجو می‌کنند، تحرکات خود را بعد از یک دوره کوتاه سازماندهی کرده‌اند. آنان چشم امیدشان به ناامیدی مردم است و به همین خاطر از سفر موفقیت‌آمیز رئیس جمهور به عراق و دیدار از ۶ استان این کشور و حضور اولین بار رئیس جمهور ایران در اقلیم کردستان و استان بصره خوشحال نیستند. پویایی دیپلماتیک دولت، نگاه متفاوت به مرزها و اقوام را نمی‌پسندند و متوسل به حاشیه‌آفرینی می‌شوند. برخی رسانه‌های جریانی –محفلی خود را آماده مقابله با رویکرد وفاق کرده و اتهام‌زنی به تعدادی از رسانه‌های رسمی اما مخالف نگاه محدودکننده پیشین را در دستور کار قرار داده‌اند. این جریان به خوبی از نقش رسانه‌ها در اجماع‌سازی و وفاق، تغییر ریل سیاستگذاری در کشور و ایجاد امید در میان مردم آگاه است و به همین دلیل تلاش می‌کند که با گزارش‌های جهت‌دار، آنان را مسأله‌دار یا دچار تنگنا کند.

به دلیل جایگاه و نقش رسانه در فراگیری و به ثمر نشستن ایده وفاق، در هفته گذشته دیدارهای جداگانه‌ای به همراه رئیس شورای اطلاع‌رسانی و سخنگوی دولت با تعدادی از خبرنگاران، روزنامه‌نگاران و مدیران رسانه و نخبگان و اساتید دانشگاه داشتیم. دیدارهایی که با صمیمیت و البته بیان صریح نقدها و انتظارات برگزار شد؛ از روایت‌های حذف و ممنوعیت رسانه‌ها با گرایش‌های مختلف سیاسی از برنامه‌های خبری به دلیل انتقاد از دولت‌های گذشته تا اعتراض به تعلل‌ها در خصوص تشکیل تیم رسانه‌ای دولت چهاردهم. این جلسات را در روزهای آینده با همه ذینفعان حوزه اطلاع‌رسانی از جمله اساتید و انجمن‌های روابط عمومی و گروه‌های دیگری از فعالان رسانه ادامه خواهیم داد.

یکی از اشکالات نهادینه شده در نظام تصمیم‌گیری اطلاع‌رسانی دولت در ادوار مختلف، نگاه دستوری و یکطرفه به رسانه‌ها بوده و تلاش شده که به جای شنیدن نقدها از روش سلبی و تنبیهی استفاده کنند. حذف رسانه در رویدادهای خبری دولت، حذف و یا محدودیت در تخصیص تبلیغات دولتی و حتی شرکت‌های خصوصی نزدیک به دولت، شکایت متعدد علیه رسانه‌ها و فعالان فضای مجازی، همه ابزاری برای ایجاد محدودیت و مراقبت سخت‌افزاری از روایت دولت بوده است. دولت چهاردهم از ابتدای تشکیل با اعلام بازپس‌گیری شکایات دستگاه‌های اجرایی از فعالان رسانه‌ای و رسانه‌ها تلاش کرد تا پل جدیدی میان خود و افکار عمومی بسازد و در آینده نیز تلاش خواهد کرد ارتباطات یکسویه و بالا به پایین را تبدیل به گفت‌وگویی برای وفاق کند.

گفتمان وفاق دولت چهاردهم سه رکن اساسی دارد. مهم‌ترین آن وفاق میان دولت و مردم است. مراد از مردم نیز همه مردم است و همانگونه که دولت بارها گفته، خود را متعهد به همه ایرانیان می‌داند. رکن دوم اجماع نخبگانی و وفاق بر سر موانع پیش روی توسعه کشور و ابرچالش‌هایی است که کشور دچار آن شده است. حل مشکل ناترازی و بحران انرژی، محیط زیست، بحران صندوق‌های بازنشستگی و... جز با اجماع نخبگانی و توافق امکانپذیر نخواهد بود. در رکن سوم نیز وفاق میان دولت و ارکان حاکمیت است. طبیعی است که عده‌ای با نگاه هواداری یا مخالفت با دولت از این رویکرد راضی نباشند اما تجربه نشان داده بدون همگرایی در ارکان حاکمیت، کاهش مشکلات مردم و کشور تقریباً نشدنی است. برای ایجاد وفاق در چنین سطوح وسیعی بدون تردید جامعه اطلاعاتی و رسانه‌ای کشور نقش اصلی و پررنگی را ایفا خواهد کرد و باید رویکرد اطلاع‌رسانی دولت از حالت دستوری و یکطرفه خارج شده و محلی برای تضارب آرای کارشناسان و صاحبنظران و همه کنشگران سیاسی و اجتماعی باشد.

جامعه امروز ایران دیگر تحمل این میزان تنش، درگیری و هزینه تراشی برای مدیریت و اداره کشور را ندارد. تنها از راه اتحاد و یکپارچگی است که می‌توانیم اکنون و فردای بهتر و امیدوارکننده‌ای را برای فرزندانمان رقم بزنیم.

اسکندر مومنی با نهادهای موازی درون وزارت کشور چه خواهد کرد؟

سرویس سیاسی – در پی کسب رای اعتماد کابینه پیشنهادی دکتر پزشکیان از مجلس شورای اسلامی و آغاز به کار دولت جدید، اخبار و گزارش‌های متعددی از چالش‌های پیش روی وزرا در اداره دستگاه‌های اجرایی به گوش می‌رسد. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، مسئله وجود "ساختارهای موازی" یادگار از دولت سابق در برخی وزارتخانه‌هاست از جمله در وزارت کشور است.

وزارت کشور یکی از وزارتخانه‌هایی است که در دولت‌های گذشته با پدیده "ساختارهای موازی" مواجه بوده است. گفته می‌شود حدود ۳۰۰ نفر غیر از کارمندان رسمی این وزارتخانه در قالب "قرارگاه‌ها و کمیته‌های مختلف" مانند قرارگاه عفاف و حجاب و...فعالیت‌هایی را انجام می‌دهند که خارج از ساختار رسمی وزارتخانه و بدون مسئولیت مشخص تعریف شده است.

این افراد با داشتن بودجه و اختیارات گسترده، در واقع ساختاری موازی را در درون وزارتخانه ایجاد کرده‌اند که می‌تواند تصمیم‌گیری‌ها و اجرای امور را با مشکل مواجه کند. منابع آگاه در وزارت کشور با ابراز نگرانی از وجود این ساختارها، بر لزوم اقدامات جدی برای ساماندهی آنها تاکید کردند. به گفته این منابع، اسکندر مومنی وزیر کشور دکتر پزشکیان از وجود این مشکل آگاه است و در تلاش برای اصلاح ساختار وزارتخانه و حذف ساختارهای موازی است.

تبعات منفی ساختار موازی در دستگاه‌های اجرایی

–**کاهش شفافیت:** فعالیت‌های این ساختارها به دلیل عدم شفافیت و نبود نظارت کافی، می‌تواند منجر به فساد و سوءاستفاده شود.

–**کاهش کارایی:** موازی‌کاری و تداخل وظایف بین ساختار رسمی و ساختارهای موازی، موجب کاهش کارایی و اتلاف منابع می‌شود.

–**تضعیف جایگاه وزیر:** وجود ساختارهای قدرتمند و مستقل در درون وزارتخانه، می‌تواند جایگاه وزیر را تضعیف کند و مانع از اعمال مدیریت واحد و یکپارچه شود.

اقدامات لازم برای حل مشکل

برای حل مشکل ساختارهای موازی، اقدامات زیر ضروری است:

–**بررسی جامع و دقیق ساختار وزارتخانه:** انجام یک بررسی جامع و دقیق از ساختار وزارتخانه و شناسایی کلیه ساختارهای موازی

–**شفاف‌سازی فعالیت‌ها و بودجه‌ها:** الزام کلیه ساختارها به ارائه گزارش شفاف از فعالیت‌ها و بودجه‌های خود

–**تعیین وظایف و مسئولیت‌ها:** تعیین دقیق وظایف و مسئولیت‌های هر یک از ساختارها و جلوگیری از تداخل وظایف

–**یکپارچه‌سازی ساختار:** ادغام ساختارهای موازی با ساختار رسمی وزارتخانه و ایجاد یک ساختار واحد و یکپارچه

صنایع چوب حلاج کیش
کلیه سفارشات
MDF، چوبی
دکوراسیون غرفه و منزل
تلفن: ۷۶۹۸۲۵۲